

پنجشنبه ۲۶ شهریور ۱۴۰۵

وطن امروز | شماره ۴۷۱۱

صفحه آخر



میلاد جلیلزاده

مستند سینمایی «نازا» (NAZA) به کارگردانی مشترک «یووال أبراهام» و «راشل سور» روزنامه‌نگاران و فیلمسازان اسرائیلی، اثری ۸۰ دقیقه‌ای، محصول رسانه گاردین به همراه کمپانی JW Films و تهیه‌کنندگی اجرایی «جاناتان گلیرز» است که نمایش آن در جشنواره ونیز ۲۰۲۶ جنجال زیادی به پا کرد. این فیلم مستند، سیستم‌های برنامه‌ریزی، الگوریتم‌های هوش مصنوعی و بروکراسی حملات هوایی ارشدترین لایه‌های نظامی اسرائیل در جریان جنگ غزه را تحلیل می‌کند و با اتکا به شهادت‌های درون‌سامانی، پرده از سازوکارهایی برمی‌دارد که ابعاد انسانی جنگ را به محاسبات ریاضی و داده‌های دیجیتال تقلیل می‌دهد. ابعاد گوناگون این سند تصویری، شامل پیشینه سازندگان، ساختار روابی مستند، مواجهه مسؤولان و مخاطبان جشنواره ونیز و واکنش‌های تند ارکان سیاسی و حقوقی اسرائیل، بستری پیچیده را برای بررسی نوع مواجهه غرب با مساله فلسطین که از مسائل اصلی جامعه آنها در حال حاضر است، فراهم می‌کند. مساله فلسطین پس از عملیات طوفان الاقصی، تبدیل به یکی از بحران‌های اجتماعی جهان شد. نسل‌های جدیدتر در این جوامع که ذهنیت‌شان دست‌نخست دوران جنگ سرد نیست، به هیچ‌وجه حاضر به حمایت از رژیم صهیونیستی نیستند؛ حال آنکه دولت‌های‌شان بر مبنایی دیگر، روابط و مناسبات خود را چیده‌اند. اینچنین است که جنگ خشن جشنواره‌هایی مثل کن و ونیز در فرانسه و ایتالیا ناچار می‌شوند بخشی را به نمایش آثاری اختصاص دهند که جنایات اسرائیل علیه فلسطینی‌ها را روایت می‌کنند و اتفاقاً پول این جشنواره‌ها را همان دولت‌هایی می‌دهند که هنوز مناسبات‌شان را با رژیم صهیونیستی تغییر نداده‌اند. چنین پدیده‌ای ممکن است در ذهن ناظران بیرونی یک دوگانگی چالش برانگیز باشد اما می‌توان با هوشیاری به آن نگریست و هم فرصت‌های موجود در آن را دید، هم نسبت به انحرافاتِ که ممکن است در این مسیر ایجاد شود آگاه بود.

نابید از یاد برد که سال گذشته در فستیوال کن که خواهر دولوی ونیز است، مستند «روح را در دست بگیر و قدم بزن» درباره یک دختر فلسطینی منتشر شد؛ مستندی که شخصیت اصلی‌اش در جریان فیلمبرداری اثر شهید می‌شود. این مستند را «سپیده فارسی» ساخته که اپوزیسیون جمهوری اسلامی است و تلاش می‌کند ایران و رژیم صهیونیستی را همانندسازی کند. آن دوره از جشنواره کن در حالی بر گزار می‌شد که «مهديه اسفندیاری» زن ایرانی ساکن فرانسه به دلیل انتشار مطلبی در دفاع از فلسطین داخل کاتال شخصی و محدود خود در فضای مجازی، در حبس و سلسول افرادی به سر می‌برد. این وضعیت به‌موضع‌شان می‌دهد رژیم‌های اروپایی می‌خواهند لیدری جریان مقابله با اسرائیل را از مدافعان واقعی مقاومت بگیرند و به عناصر دست‌بربرده خودشان بسپارند. امسال هم ۴ فیلم ضدایرانی در ونیز حضور داشتند که یکی از آنها به کارگردانی محسن قزایی در بخش افقا جایزه بهترین بازیگر زن را برده شد. تهیه‌کننده آمریکایی این فیلم سال قبل تهیه‌کننده مستندی بود به نام «صدای هند رجب» که آن هم درباره فلسطین بود و کارگردانش در فهرست داوران بخش اصلی ونیز در امسال قرار گرفت. اینها در مجموع می‌توانند نشان‌دهنده این باشد که رژیم‌های اروپایی به سبب اینکه جایگاه اسرائیل در افکار عمومی دنیا تخریب شده، ممکن است در تلاش باشند نسخه‌هایی دست‌ساز و تحت کنترل خودشان را توسط منتقدان جنایات اسرائیل بسازند و از طریق جشن‌ها و جشنواره‌های سینمایی معرفی کنند تا جایگزین نسخه‌های اصلی و واقعی بشوند. از همین رو به رویکرد فستیوال ونیز در نمایش مستند «نازا» نمی‌توان کاملاً خوشبین بود اما می‌توان آن را نشانه‌ای از فراگیر شدن قطعی یک دید منفی گسترده نسبت به اسرائیل در تمام دنیا دانست. با همه این اوصاف، توجه به این مستند، سواى نیت سازندگانش و نیز نیت کسانی که آن را در جشنواره نمایش دادند، می‌تواند برای بی بردن به بخشی از آنچه در این صحنه نبرد می‌گذرد مفید باشد. به طور مثال اشاره «نازا» به نوع تشکیل بانک اهداف رژیم صهیونیستی در ترورها که توسط هوش مصنوعی تنظیم می‌شود، ممکن است آگاهی‌هایی در بعضی افراد نسبت به این موضوع ایجاد کند. البته پیش از این در مورد حمله رژیم به ایران هم به چنین نکاتی اشاره شده بود اما رسانه‌های معاند با تمسخر این ادعاها سعی داشتند آن را منکر شوند. در ادامه به معرفی مستند «نازا» سازندگان آن، نوع

ادامه از صفحه اول

مؤسسه مطالعات جنگ و پروژه تهدیدات حیاتی در گزارش ۱۱ سپتامبر خود نوشتند حوثی‌ها در حال ایجاد شرایطی برای تبدیل باب‌المندب به منطقه‌ای تحت کنترل «محور مقاومت» هستند و تصرف سواحل غربی یمن و جزیره پریم، امکان تهدید کشتیرانی را از فاصله نزدیک‌تر فراهم می‌کند. همین گزارش تصریح می‌کند حضور انصارالله در این موقعیت به ایران امکان می‌دهد در شرایطی که تهران بنا به ادعای مقامات آمریکا در تنگه هرمز با محدودیت‌هایی در اختلال کامل در عبور نفت مواجه است، یک مسیر جایگزین برای اعمال فشار بر بازار انرژی و افزایش هزینه‌های اقتصادی آمریکا و متحدانش داشته باشد.

این نکته را نباید به اشتباه به معنای آن دانست که هر تحول در یمن مستقیماً از تهران فرمان می‌گیرد یا انصارالله صرفاً ابزار اجرایی ایران است چنین تحلیلی از پیچیدگی سیبست منطقه‌ای می‌کاهد. شییمان یمن بازیگرانی با محاسبات، اهداف و ظرفیت‌های مستقلند و طبیعی است از اشتگی منطقه‌ای برای پیسبرد منافع ایران استفاده کنند اما از منظر ژئوپلیتیک، استقلال بازیگر محلی لزوماً به معنای بی‌ارتباطی راهبردی آن با یک قدرت منطقه‌ای نیست. واشنگتن پست در یادداشت ۱۱ سپتامبر خود با عنوان معنادار «جبهه دوم ایران» نوشت تحول اخیر یمن، موازنه قدرت را بر هم زده و در عین حال «پیروزی» حوثی‌ها را به



پیامبر اعظم (ع)

به کد کتاب محبت کنید و به آنها رحم کنید و هروقت به آنها وعده دادید به آن وفا کنید، چون آنها شما را روزی رسان خود می‌دانند.

حضور آن در فستیوال ونیز و برخوردهایی که داخل اسرائیل با آن شد پراخته شده؛ مستندی که رکورد تشویق ایستاده حاضران را پس از ارکان در فستیوال ونیز شکست.

■ **پشت‌بام‌های تل آویو**

یووال أبراهام و راشل سور پیش از ساخت مستند «نازا»، به عنوان ۲ روزنامه‌نگار تحقیقاتی و فعال رسانه‌ای در اسرائیل شناخته می‌شدند. نقطه اوج فعالیت قبلی این دو فیلمساز، مشارکت در ساخت مستند بلند «سرزمین دیگری نیست» (No Other Land) در سال ۲۰۲۴ بود. آن اثر که موفق به دریافت جایزه اسکار بهترین مستند در سال ۲۰۲۵ شد، به مستندسازی میدانی خشونت‌های شهر کنشینان و تخریب جوامع فلسطینی در کرانه باختری تمرکز داشت. در آن مستند، روش‌شناسی فیلمسازان مبتنی بر حضور مستقیم در محل وقوع حادثه، تصویربرداری در روز روشن و مواجهه چهره‌به‌چهره با قربانیان و مجریان خشونت بود.

با این حال، أبراهام و سور در مستند «نازا» یک تغییر پارادایم روش‌شناختی ایجاد کردند. آنها به جای ثبت معلول‌ها و پیامدهای عینی جنگ، روی‌زمین، تصمیم گرفتند به کالبدشکافی علت‌ها، ساختارها و الگوریتم‌های تصمیم‌گیری بپردازند. این دو روزنامه‌نگار، بر قالب ژورنالیسم تحقیقی، پیش‌تر با همکاری رسانه‌هایی چون مجله «۹۷۲»، پایگاه خبری عبری‌زبان «لوکال کال» و روزنامه گاردین، گزارش‌های متعددی را درباره سامانه‌های هوش مصنوعی ارتش اسرائیل منتشر کرده بودند. حالا عنوان می‌شود مستند «نازا» حاصل ۳ سال تحقیق، جمع‌آوری شهادت‌ها و تبدیل داده‌های تحقیقاتی متنی به یک سند دیداری و شنیداری پیچیده است.

عنوان مستند، برگرفته از سرود «عبارت عبری «نزک آگوی Nezek Agavi» است که در اصطلاح‌شناسی نظامی ارتش اسرائیل به معنای «سبب جانی یا سهمیه پیش‌بینی‌شده برای تلفات غیرنظامیان در یک حمله هوایی» به کار می‌رود. این اثر ۸۰ دقیقه‌ای، بر اساس شهادت افشاگرانه ۲۴ نفر از افسران اطلاعاتی، اپراتورهای پهپاد و برنامه‌ریزان نظامی ارتش اسرائیل شکل گرفته است. چنین عنوان شده که به دلیل خطرات حیاتی و پیگرد حقوقی سنگین، تمام گفت‌وگوها در طول ۳ سال و به صورت کاملاً مخفیانه در تاریکی شب روی پشت‌بام‌های تل آویو ضبط شده است. سازندگان با استفاده از الگوریتم‌های دیجیتالی، صدا و ویژگی‌های ظاهری تمام شهود را تغییر داده‌اند تا هویت آنها غیرقابل شناسایی باقی بماند.

ساختار روایی فیلم بر افشای زنجیره‌ای از سامانه‌های هوشمند و پروتکل‌های اداری استوار است که فرایند هدف‌گیری را از حالت انسانی خارج می‌کنند. افشاگران در این مستند تشریح می‌کنند که چگونه سامانه‌های هوش مصنوعی، مانند سیستم موسوم به «اسلوخودوس» (Lavender)، با پردازش داده‌های مخابراتی و ردگیری سیگنال تلفن‌های همراه، هزاران خانه مسکونی را در نوار غزه به عنوان اهداف احتمالی مشخص می‌کنند. شهادت‌های ارائه‌شده نشان می‌دهد ارتش رژیم ترجیح می‌دهد اهداف شناسایی‌شده را شب‌هنگام و در منازل شخصی‌شان مورد حمله قرار دهد؛ برای رسیدن به حسی که ناشی از اطمینان از حضور هدف در خانه است، حتی اگر این امر به قیمت کشته شدن تمام اعضای خانواده و همسایگان تمام شود. شهروندان ایرانی در ۲ جنگ اخیر با رژیم صهیونیستی هم چنین الگویی را در ترور بسیاری از فرماندهان نظامی و امنیتی و دانشمندان‌شان مشاهده کردند.

یکی از تکان‌دهنده‌ترین بخش‌های مستند، افشای شناور بودن سهمیه «نازا» یا تلفات جانبی مجاز است. شهود نظامی توضیح می‌دهند که سقف تلفات غیرنظامی پذیرفته‌شده برای فرماندهان ارشد یا نیروهای رده‌پایین کاملاً الاستیک است؛ در حالی که برای یک نیروی عادی حماس کشته شدن تا ۲۰ غیرنظامی مجاز شمرده می‌شود. در مورد فرماندهان برجسته‌تر، دستورات رسمی اجازه صدور مجوز برای حملاتی را داده‌اند که ممکن است به قیمت جان ۲۰۰ تا ۵۰۰ غیر نظامی در یک حمله یکباره تمام شود.

فیلمسازان با هوشمندی، بستر بصری گفت‌وگوها را در تل آویو و در فاصله‌ای حدود ۴۴ مایلی از نوار غزه قرار داده‌اند. کنتراست میان زندگی آرام، ترافیک خیابان‌ها و فعالیت مراکز فرهنگی در تل آویو با ویرانی‌های غزه که به صورت کوتاه در فیلم نمایش داده می‌شود، حس گسست اخلاقی و بی‌حسی روانی جوامع مدرن در برابر فاجعه را القا می‌کند. افسران اطلاعاتی حاضر در فیلم که خود

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی

مدیرعامل: رضا شکیبایی

سرمدیر: سید عابدین نورالدینی

کالبدشکافی ساختاری – روایی و بازتاب‌های سیاسی نمایش مستند «نازا» در فستیوال ونیز

اتوماسیون جنایت

در تل آویو مستقرند، حملات را از طریق مانیتورها مدیریت کرده و خود را تنها پیچ‌ومهرهای فنی یک سیستم فاقد مسؤولیت اخلاقی تلقی می‌کنند. أبراهام و سور تصریح کرده‌اند هدفشان پرداختن به خطاهای فردی یا جنایات خودسرانه سربازان نبوده، بلکه قصد داشته‌اند ساختار، منطق حاکم و بروکراسی کشتار را عریان کنند.

■ **جنجال در جشنواره فیلم ونیز**

هشتاد و سومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم ونیز در سپتامبر ۲۰۲۶، بستر نخستین ارکان جهانی مستند «نازا» بود. این اثر به عنوان تنها مستندی که به بخش مسابقه اصلی هم راه یافت، برای کسب جایزه شیر طلایی به رقابت پرداخت. مدیریت جشنواره ونیز و در رأس آن «آلبرتو باربرا» مدیر هنری فستیوال، تدابیر امنیتی و رسانه‌ای ویژه‌ای را برای نمایش این اثر اتخاذ کردند یا لاقابل چنین وانمود شد. خبر اضافه شدن این مستند به جدول مسابقه اصلی تا ۲۴ آگوست ۲۰۲۶ مخفی نگه داشته شد. عنوان شد این افزودن دیر هنگام به درخواست مستقیم تهیه‌کنندگان انجام شده تا مراحل پیچیده گمنام‌سازی شهود به پایان رسیده و ارزیابی‌های امنیتی لازم برای ارکان بین‌المللی انجام شود. باربرا پیش از ارکان اثر، طی اظهاراتی رسمی، «نازا» را اثری «ساختار شکنانه»، «ز نظر سیاسی متلاطم‌کننده» و «به‌شدت ارزشمند» از نظر سینمایی توصیف و تأکید کرد. شهادت‌های ارائه‌شده در فیلم تکان‌دهنده بوده و حاصل ۳ سال تلاش صورت‌انه فیلمسازان است.

ارکان رسمی اثر در ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۶ با واکنش پرشور تماشاگران و منتقدان جشنواره همراه شد. پس از پایان نمایش فیلم، حاضران در سالن به مدت ۲۵ دقیقه به صورت ایستاده فیلمسازان را تشویق کردند که این میزان تشویق، رکورد طولانی‌ترین تشویق ایستاده در تاریخ جشنواره فیلم ونیز را به نام این اثر ثبت کرد. فضای بیرون از سالن ارکان و فرش قرمز هم تحت تأثیر شعارهایی نظیر «فلسطین را آزاد کنید» توسط حاضران بود. نهایتاً جایزه ویژه هیات داوران بخش مسابقه اصلی، جایزه ادیپو ره (Edipo Re Award) از سوی نهادهای مستقل جانبی جشنواره با مفهوم تقدیر از رویکرد انسانی و حقوق بشری اثر و جایزه قطره سبز (Green Drop Award) از جانب سازمان‌های زیست‌محیطی و بشردوستانه با مفهوم توجه به ابعاد زیست‌محیطی و انسانی تخریب‌های نظامی، همچنین تقدیر ویژه یونیسف با تمرکز بر پیامدهای جنگ روی کودکان و خانواده‌ها به این اثر تعلق گرفت و میزان رضایت منتقدان هم در جدول‌های منتشر شده بالا بود.

■ **واکنش رسمی رژیم صهیونیستی**

موقعیت جشنواره‌ای مستند «نازا» و افشای مکانیزم‌های درونی ارتش صهیونیستی، موجی از خشم و واکنش‌های تند را در میان مقام‌های ارشد سیاسی و نظامی رژیم ایجاد کرد. تنها یک روز پس از اختتامیه جشنواره ونیز، «میکي زوهر» وزیر فرهنگ رژیم طی بیانیهای شدیدالحن در شبکه اجتماعی X، فیلمسازان را به «خیانت علیه کشور» متهم کرد و متعهد شد روند سلب تابعیت اسرائیلی آنها را پیگیری کند. زوهر اصرار کرد «این فیلمسازان حاضر شده‌اند برای جلب تشویق جوامع بین‌المللی به کشور خود آسیب بزنند و این رفتار صادق کامل خیانت است».

سایر وزرا و چهره‌های برجسته سیاسی رژیم نیز به این هجمه پیوستند؛ ایتمار بن گویر، وزیر امنیت داخلی، فیلمسازان را مایه ننگ خوداند و خروج آنها از سرزمین اشغالی را خواستار شد. آویگدور لیبرمن، وزیر سابق جنگ، سازندگان را «شمنان اسرائیل» نامید و نفتالی بنت، نخست‌وزیر سابق، محتوای مستند را «فترا و بهتان خونی هولناک» توصیف کرد.

بررسی قوانین تابعیت رژیم نشان می‌دهد تهدید وزیر فرهنگ با موانع قانونی و حقوقی پیچیده‌ای روبه‌رو است. اگرچه طبق رویه تایید‌شده دیوان عالی اسرائیل در سال ۲۰۲۲، دولت می‌تواند تابعیت افرادی را که مرتکب خیانت، جاسوسی یا عدم وفاداری شدید شده‌اند لغو کند و در سال ۲۰۲۳ نیز این قانون برای محکومان به تروریسم گسترش یافت اما اجرای آن مستلزم یک روند ۳ مرحله‌ای است. این روند نیازمند ارائه درخواست رسمی توسط وزیر امور داخلی، تأیید کتبی وزیر دادگستری و در نهایت صدور حکم قطعی توسط قضات دیوان عالی است؛ از این رو، وزیر فرهنگ به تدفیف اختیار قانونی برای سلب شهروندی ندارد. ارتش اسرائیل (IDF) نیز در نخستین واکنش رسمی خود، اتهامات مطرح‌شده در مستند را به طور کامل رد کرد و اکتا به شهود ناشناس را که هویت و موقعیت نظامی آنها قابل راستی‌آزمایی مستقل نیست، مورد انتقاد قرار داد. ارتش

گسترش میدان نبرد

و حتی تهدید اقتصادی می‌تواند از حملات نظامی برای بقای حکومت ایران خطرناک‌تر شود اما دقیقاً همین‌جا می‌توان نقطه ضعف نهفته در این نوع تحلیل‌ها را مشاهده کرد. وقتی طرف مقابل تلاش می‌کند جنگ را به یک رقابت نسبتاً روشن میان «توان آمریکا» و «ظرفیت دولت ایران» تبدیل کند، منطقی‌ترین واکنش لزوماً ورود به همان زمین و پذیرفتن همان تعریف از جنگ نیست. مساله فقط آن نیست که ایران چگونه می‌تواند در یک نبرد کلاسیک مقاومت کند، پرسش مهم‌تر این است: می‌تواند اجازه دهد رقیب، کل جنگ را در قالب یک دوتل دوجانبه و قابل پیش‌بینی طراحی کند؟

قدرت‌های بزرگ دقیقاً زمانی مزیت بیشتری دارند که جنگ برای آنها قابل‌تمرکز باشد. ناوگان دریایی برتری هوایی، اطلاعات ماهواره‌ای، سامانه‌های فرماندهی و توان مالی عظیم، در یک میدان مشخص معنا می‌یابد اما همین برتری در یک میدان مشخص الزاماً به پیروزی در کل معادله منجر نمی‌شود. مشکل زمانی آغاز می‌شود که پیروزی در یک میدان، همزمان با باز شدن مساله‌ای دیگر در میدان دوم و سوم باشد. نشانه‌های این معادله از همین حال برای آمریکا آشکار شده است. مؤسسه هلدسون در تحلیل اخیر خود ادعا کرد فشار اقتصادی، تحریم و عملیات نظامی، توان ایران را به‌شدت کاهش داده و واشنگتن نباید از فشار خود عقب‌نشینی کند. از نگاه این جریان، مساله اصلی آن است که آمریکا نتواند فشار متمرکز خود را حفظ و ایران را وادار به پذیرش شروط خود کند. بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها نیز تقریباً از زاویه‌ای مشابه مدعی شد تهران اکنون با اقتصادی شکننده و فشار مستمر مواجه است

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲
تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۲
نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
پیام‌رسان: @vatanemrooz
بست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: ایران کهن
توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰



اثر بر این باور تأکید می‌کند که اتوماسیون فرآیند هدف‌گیری، چگونه خشونت ساختاری را از احساس گناه فردی مجزا می‌کند. وقتی برنامه‌ریزان نظامی با الگوریتم‌ها و کلمات اختصاری مانند «نازا» کار می‌کنند، انسان‌ها به متغیرهای عددی در معادلات نظامی تقلیل می‌یابند.

از سوی دیگر، واکنش تند بخشی از حاکمیت اسرائیل و تهدید به سلب تابعیت فیلمسازان، نشان‌دهنده تغییر ابزارهای سرکوب دولتی از سانسور سنتی به سلب حقوق بنیادین شهروندی ارزیابی شد. جریان منتقدان متصل به فستیوال ونیز در مجموع چنین گفتند که این رویکرد ساختاری، با هدف ارباب سایر افشاگران و جلوگیری از خروج اطلاعات از درون نهادهای نظامی طراحی شده است. عده‌ای دیگر هم موفقیت مستند «نازا» را الگوی تازه‌ای از سینمای افشاگر دانستند که در آن، داده‌های صه‌گذاری‌شده تحقیقاتی به اسناد دیداری تبدیل می‌شود تا راه را برای پیگیری‌های حقوقی و قضایی بین‌المللی هموار کند.

البته باید توجه داشت هر چند ترورهایی که طبق این روش و توسط الگوسازی‌های هوش مصنوعی انجام می‌شود، ممکن است به خودی خود نوعی خشونت ساختار یافته و انسان‌دایی از قربانیان تلقی محدود با اهداف مشخص تصور کرد. از همین رو، کشتار مردم غیرنظامی در بسیاری موارد کاملاً آگاهانه و به قصد ایجاد رعب و وحشت در حامیان مقاومت انجام می‌شود و در آن موارد حتی پای هوش مصنوعی هم در میان نیست.

صهیونیستی ادعا کرد تمام تصمیمات مربوط به حملات هوایی توسط نیروهای انسانی و طبق ضوابط حقوقی گرفته می‌شود و نه سامانه‌های هوشمند. با این حال، در بیانیه تکمیلی که بعداً منتشر شد، لحن ارتش تا حدی تغییر یافت و ادعاهای مفصل مطرح‌شده در فیلم، نیازمند بررسی دقیق و پاسخ مبتنی بر مدرک است و نمی‌توان آن را با تکذیب ساده کنار گذاشت. در این میان، فضای رسانه‌ای و سیاسی داخلی اسرائیل دچار دوپارگی شد. برخی شخصیت‌های چپ‌گرا مانند «یوسف جبارین» نماینده سابق پارلمان و رئیس حزب חדش، با تبریک این جایزه به سازندگان، از افشای واقعیت‌های تلخ غزه تقدیر کردند. روزنامه هالارتس هم در سرمقاله خود نوشت فیلمسازان را به نمایش این اثر، جامعه اسرائیل را با لکه سیاهی که در نوار اداره جنگ وجود دارد روبه‌رو کرده‌اند و مواجهه با این حقیقت، غیرقابل اجتناب است. نگاه به پاره‌ای از همین مواضع است که می‌تواند بسیاری از مخاطبان را درباره ماهیت واقعی مستند «نازا» به تردید بیندازد. دفاع تمامد حق‌شناسی از شخصیت‌های سیاسی یا رسانه‌های رسمی داخل رژیم از این اثر نشان می‌دهد به رغم لحن ظاهراً ساختارشکنی که این مستند دارد اما همچنان می‌توان آن را در چارچوب سیاسی و اجتماعی داخل رژیم صهیونیستی فهم کرد، نه چیزی که کاملاً علیه آن است.

■ **پیامدهای رسانه‌ای، حقوقی و ژئوپلیتیک**

تحلیل نهایی مستند «نازا» نشان‌دهنده تعمیق شکاف میان تکنولوژی‌های مدرن نظامی و مسؤولیت اخلاقی فردی است. این

آن است که بسیاری از آنها در مجاورت مراکز اصلی قدرت، انرژی و ارتباطات منطقه‌ای قرار گرفته‌اند. بحرین در کنار تأسیسات و ترتیبات امنیتی خلیج فارس، شرق عربستان در مجاورت بخش مهمی از زیرساخت انرژی این کشور و اردن در نقطه اتصال چندین جغرافیای حساس منطقه قرار دارد. حتی در شمال ایران نیز محیط پیرامونی، از جمله جمهوری آذربایجان، بخشی از همین معادله گسترده‌تر است؛ هر چند ماهیت سیاسی و اجتماعی آن با دیگر موارد تفاوت دارد. بنابراین اگر واشنگتن و متحدانش می‌کوشند فشار را به داخل جغرافیای ایران منتقل کنند، تهران نیز ناگزیر است به ظرفیت‌های ژئوپلیتیک پیرامون خود به عنوان بخشی از میدان فشار متقابل بنگرد.

مساله اساسی در اینجا «گسترش جنگ برای گسترش جنگ» نیست، مساله شکستن انحصار طرف مقابل بر تعریف میدان جنگ است. اگر آمریکا بتواند جنگ را به حمله به زیرساخت‌های ایران، تحریم اقتصاد و فشار بر دولت ایران محدود کند، بخش عمده‌ای از مزیت ساختاری خود را حفظ خواهد کرد اما اگر در محاسبات واشنگتن روشن باشد فشار بر تهران می‌تواند پیامدهایی در چندین محیط سیاسی و امنیتی منطقه‌ای ایجاد کند، دیگر نمی‌توان جنگ را حتی به کسری از اهمیت این ابزار و مولفه نمی‌رسد و ما نیز تاکنون از بخش‌های زیادی از امکان‌های این مولفه استفاده نکرده‌ایم. جوامع شیعی در بحرین و شرق عربستان، فلسطینی‌های اردن و دیگر گروه‌های سیاسی و اجتماعی ناراضی در منطقه را نمی‌توان از معادله امنیتی آینده غرب آسیا حذف کرد. اهمیت این نقاط دقیقاً